

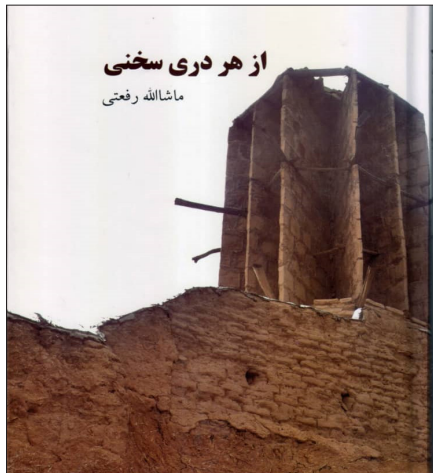
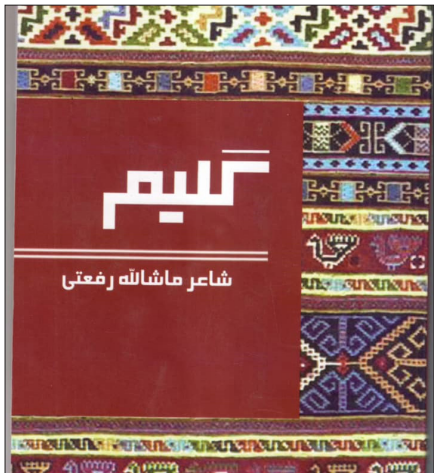
فرهنگی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد در خصوص نمایشگاه کتاب تهران گفت: «بهمن ماه سال جاری دومین نمایشگاه مجازی کتاب را برگزار خواهیم کرد و درباره نمایشگاه حضوری نیز برنامه ریزی می کنیم که اگر شرایط کرونایی مساعد باشد، در ابتدای سال آتی برپا شود». باس احمدوند ۱۵ آبان ماه در ارتباط زنده تلفنی با برنامه «قطعات فرهنگ» رادیو گفتگو در خصوص تأخیر اعلام اسامی در خلال روند برگزاری «جایزه جلال» بیان کرد: «تست علمی این جایزه چهارشنبه هفته می گذشته برگزار شد و فراخوان آن نیز منتشر و ۱۴۰۰ اثر به جشنواره ارسال شد» وی ابراز امیدواری کرد، داورها در زمان مشخص خود به پایان برسد و اسامی اعلام شود.

فرهنگی کرمان: «مجتبی قنوتی» از هنرمندان موسیقی و از اقوام عرب جنوب خوزستان است که حضورش در چهاردهمین جشنواره موسیقی نواحی، برای نخستین بار بوده، جشنواره موسیقی نواحی را موثر می داند و معتقد است اگر این جشنوارهها در ایران بیشتر شود و حتی به خارج از مرزها کشیده شود، می توانیم موسیقی و قدمت آن را نشر داده و به جهانیان منتقل کنیم. وی اظهار کرد: این نوازنده درباره جشنواره موسیقی نواحی، یادآور شد: «پیش از این که به جشنواره بیایم ویدئوها و عکس هایی که می دیدم خیلی برایم جالب بود. زمانی که در جشنواره حضور پیدا کردم، فضای آن برایم رویایی بود و گمان نمی کردم تا این حد قوی برگزار شود».

پای صحبت مردی از روزهای گذشته؛

# خاطر اتم را برای نسل امروز نوشتیم

هدی رضوانی



درونی یک فرد بواسطه افراد بیرونی) بسیار معتمد، مهندس بازرگان و دکتر باهنر دو شخصیتی بودند که برای ادامه زندگی و رسیدن به حقیقت من را راهنمایی می کردند. متأسفانه از حضور آن ها استفاده درستی نبردم. سال اول کارشناسی ارشد، وزارت کشور؛ نیرو می گرفت. باینکه در تهران معلم آموزش و پرورش بودم ولی در آزمون شرکت کردم و پذیرفته شدم. بنابراین دانشجویی و معلمی را رها کردم و آمد بخشدار یکی از بخش های یزد شدم و مدتی بعد، از انصراف از تحصیل و کاری که انجام داده بودم پشیمان شدم. گاهی هم فکر می کنم شاید واقعا قسمت بود. چون شب آزمون من بیمار بودم و تب ۴۰ درجه داشتم. ولی دکتر به من دارو داد که بتوانم در آزمون شرکت کنم. روز آزمون هم مادام را فراموش کرده بودم با خودم ببرم. ولی باین حال در آزمون پذیرفته شدم و زندگی من طور دیگری رقم خورد.

**پس زندگی شما در یزد شکل گرفت؟**

خیر. یکسال بیشتر در یزد نماندم و پس از آن به شمال کشور منتقل شدم و ۸ سال در گیلان زندگی کردم. در آن سال ها به عنوان بخشدار و فرماندار فعالیت داشتم و پس از آن به سیرجان برگشتم. در سیرجان هم سمت هایی چون معاون فرماندار و شهردار را تجربه کردم. پس از مدتی هم به عنوان فرماندار شهربانک فعالیت داشتم و در نهایت نیز به عنوان کارشناس استانداری در کرمان کار کردم. تا اینکه ابلاغیه ای آمد برای کارکنان وزارت کشور که با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شوند. پس از بازنشستگی هم مدیرعاملی چند شرکت در منطقه ویژه سیرجان را تجربه کردم. زندگی پرفرازونشیب و پر تجربه ای بود.

**طی آن سال ها به این فکر نکردید که درس تان را ادامه دهید؟**

متأسفانه خیر. علی رغم این که به درس خواندن و مطالعه علاقه بسیاری دارم نتوانستم ادامه دهم. وارد چرخه کار شده بودم و هر سال در یک شهر مشغول فعالیت بودم. ورود مجدد به دانشگاه دولتی سخت بود. دانشگاه آزاد را هم تمایلی نداشتیم. این بود که به همان کارشناسی ارشد نیمه تمام بسنده کردم.

**به عنوان کسی که فرمانداری و بخشداری را تجربه کرده، چه شد به سراغ نویسندگی و شاعری رفتید؟**

خط و چین تجربه های روزگار روی صورتش جا خوش کرده. بیش از ۸۴ بهار را پشت سر گذاشته، متولد ۱۳۱۶. انگار همان دیروز بود که در سیرجان متولد شد و پس از آن زندگی پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشت. از تجربه معلمی و دانشجویی گرفته تا تجربه کارهای دولتی. جنگ جهانی دوم را درک کرده و در عمر طولانی خود روزگاران متفاوتی را از سر گذرانده. ساده و صمیمی است. مهربان و آرام و با تسلط خوبی از خاطرات آن روزها می گوید. ماشاء... رفتنی؛ کسی که در کنار تجربه مشاغل گوناگون، دستی هم بر آتش شعر و نویسندگی دارد و ۳ کتاب منتشر کرده. کتاب هایی که از روزهای رفته یاد می کنند و عواطف نگارنده را به مخاطب عرضه می دارند. نشریه سخن تازه شما را به گفتگوی صمیمانه ای که با این نویسنده کهنسال اما دل جوان انجام داده، دعوت می کند:

**از روزهای زندگی در تهران بگویید.**

سال ۱۳۳۷ از دبیرستان ابن سینا دیپلم گرفتم. آن زمان برای سربازی باید حتما دیپلمه به تهران مراجعه می کردند. همان سال به اتفاق تعدادی از دوستان راهی تهران شدم. سال اول حضور در تهران در دوره های آموزشی مهندس بازرگان شرکت کردم. این دوره ها برای بهبود سطح سیاست آموزش و پرورش برگزار می شد. از این کلاس ها بسیار بهره بردم و چراغی بود در زندگانی من که پای مرا به معلمی باز کرد. بعد از سربازی تحصیلات را ادامه دادم. ابتدا در مقطع کارشناسی علوم اجتماعی و بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد؛ دومین شخصیت مهم زندگیم بر سر راه من قرار گرفت. با دکتر محمدجواد باهنر هم کلاس بودم که تاثیر بسزایی بر من داشت و از علم و اندیشه او استفاده کردم. اما متأسفانه علی رغم این که در یکی از مدارس تهران نیز به شغل دبیری مشغول بودم؛ دانشجویی و تدریس را نیمه کاره رها کردم و به یزد رفتم.

**علت انصراف از تحصیل شما چه بود؟**

من به طباطبائی (یعنی من آسمانی و رب النوع، هدایت

دارم. شخصی به نام عطا خان، آن زمان به سیرجان حمله کرده بود. من بچه بودم و در قلعه مشغول بازی بودم. عطا خان با چند سوار دیگر آمدند سمت ما. یکی از تفنگچی ها بزغاله ای را که من با او بازی می کردم کشت، پخت، خوردند و رفتند. به ما هم از آن غذا دادند. حدود ۳۰ سال بعد، من شهردار سیرجان بودم. تازه قبرستان را جابه جا کرده بودیم و یک نفر داشت سنگ های قبری که شکسته بود را جمع می کرد که بفروشد و لقمه نانی برای زندگی اش دست و پا کند. وضعیت مناسبی نداشت. یک نفر به من گفت او را می شناسی؟ عطا خان است، همان یاغی و راهزن قدرتمند چند سال قبل. سرگذشت آدم ها همین است. گاهی در مقام قدرت و گاهی در مقام ذلت.

**در حال حاضر کتابی در دست نگارش دارید؟**

بله. کتاب "عقل و قرآن" که دارم روی آن کار می کنم. عقل و قرآن دو نعمت بزرگی هستند که خداوند به هر بشری داده. من معتقدم "النعمة النعمتان: نعمة العقل و نعمة القرآن" یعنی دو نعمت داریم؛ نعمت عقل و نعمت قرآن که اگر به آن ها توجه شود، زندگی بشر می تواند شکل دیگری داشته باشد. این کتاب در دست نگارش است و اگر جامی مناسبی پیدا شود و کمک کند؛ این کتاب را چاپ خواهم کرد.

سروده بودم جمع آوری کردم و به صورت یک مجموعه شعر با عنوان "گلیم" منتشر کردم. با استقبال خوبی هم روبرو شد. این شعرها عصاره زندگی من بودند. اولین شعرم آن در ۲۲ سالگی سرودم و پس از آن جستارهای شعر می گفتم. جالب است بدانید پس از انتشار این مجموعه شعر دیگر هر کار کردم نتوانستم حتی یک بیت شعر بگویم و به قولی چشمه شعر خشکید و به سراغ نویسندگی رفتم.

**از دیگر کتاب های تان بگویید.**

دو کتاب نثر هم دارم. یکی با عنوان تنگری به تاریخ/ پندی از گذر عمر که خاطرات زندگی من را دربر می گیرد و اشاره ای هم دارد به کودتای سال ۱۳۲۱ که وقایع آن را به خاطر داشتم و قحطی سال ملخی که بسیاری از مردم سیرجان در آستانه جنگ جهانی دوم بر اثر قحطی فوت کردند. کتاب دیگری با عنوان "از هر دری سخنی" است که پیرامون موضوعات مختلف با محوریت عناوین فلسفی نوشته شده و سعی کردم به همه مباحث ادبی، تاریخی و... بپردازم که برای خواننده تنوع داشته باشد.

**خاطرات جالبی باید از آن زمان داشته باشید؟**

بله. خاطراتی که نشان می دهد چرخ روزگار بالا و پایین دارد. به عنوان مثال حمله یاغی ها به سیرجان را به خاطر

حضور همان دونفری که ابتدا به آن ها اشاره کردم عامل اصلی بود. تاثیر وجودی این دو نفر سال ها با من همراه بود. از طرفی احساس می کردم استعداد این کار را هم دارم. دوست داشتم درونیات خودم را بر روی صفحه کاغذ بیآورم و آن را برای نسل آینده به یادگار بگذارم. طبع شعری هم داشتم آن زمان که به تهران رفته بودم. هرچند که به واسطه شخصی که با او ارتباط داشتم، این طبع شعر فروکش کرد.

**چه اتفاقی افتاد؟**

آن سال ها که در تهران دانشجویی و معلم بودم گهگاهی شعر می سرودم. شخص کهن سالی بود که به تخصص در شعر معروف بود. یکی از اشعارم را که در ارتباط با پروین اعتصامی بود نزد او بردم که روی شعرم نظر بدهد. به شدت آن شعر را نقد کرد و گفت این اصلا شعر نیست. من هم از روی ناراحتی تمام اشعارم را پاره کردم و دور ریختم. بعدها فهمیدم اصلا تخصصی نداشت. این اتفاق مربوط به سال ۴۰ است و سال ها فعالیتت در حوزه شعر نداشتیم. تا اینکه زمان ثبت جهانی گلیم، شعری برای گلیم سیرجان سرودم و در مراسم قرائت کردم و مقبول واقع شد.

**و شد سرچشمه انتشار اولین کتاب شما؟**

بله. در آستانه ۸۰ سالگی اشعاری را که طی سالیان متمادی

## نوبت دوم

# فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای روش اول

## تهیه مصالح و اجرای پروژه واحدهای مسکونی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کرمان آبان ماه ۱۴۰۰



بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کرمان در نظر دارد تهیه مصالح و اجرای پروژه واحدهای مسکونی به شرح مندرج در جدول ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای (روش اول) بر اساس مشخصات فنی منضم به اسناد مناقصه و در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به اشخاص حقوقی دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته ساختمان و ابنیه پایه ۵ به بالا واگذار نماید. به استناد نامه شماره ۲۰۳۰۴۸ مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۰۴ رئیس امور فنی و اجرایی، مشاورین و پیمانکاران سازمان برنامه و بودجه کشور سقف ظرفیت ریالی پیمانکاران پایه ۵ ابنیه و ساختمان در سال ۱۴۰۰ مبلغ ۲۷۶/۷۹۰ میلیون ریال اعلام شده است

ردیف	استان	شهرستان	مشخصات پروژه احداث واحدهای مسکونی	محل اجرای پروژه	برآورد اولیه بر اساس فهرست بهای پایه ابنیه سال ۱۴۰۰ (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	مدت اجرای پروژه	شماره مناقصه
۱	کرمان	سیرجان	احداث ۱۵ واحد مسکونی ویلایی یک طبقه اکبرآباد سیرجان تا پایان سفت کاری، اجرای نما و حصارکشی به متراژ ۱۵۶۲/۴۰ مترمربع	سیرجان روستای اکبرآباد	۷۵/۷۰۵/۳۱۸/۱۱۵	۳/۷۸۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ ماه	۱۴۰۰/۲۲

### فراخوان مناقصه:

- نوع فراخوان:** عمومی یک مرحله ای (روش اول)
- نام و نشانی دستگاه مناقصه گرا:** بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کرمان واقع در **کرمان، انتهای خیابان خواجه، نبش ابودر**
- موضوع مناقصه:** اجرای واحدهای مسکونی به شرح جدول فوق بر اساس نقشه ها و مشخصات فنی منضم به اسناد مناقصه.
- مهلت دریافت اسناد:** از ساعت ۱۳ ظهر روز شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ تا ساعت ۱۳ روز شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۲
- محل دریافت اسناد:** سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir)
- آخرین مهلت زمانی ارائه پیشنهادات توسط مناقصه گران:** تا ساعت ۱۳ روز سه شنبه ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کرمان